

دعای روز سوم

اللهم ارزقني فيه الذهن والتدبیر وابعديني فيه من السفاهة والتّمويه واجعل لي نصيباً من كلّ خير تُنزل فيه جُودك يا جوداً لا جودين.

ماه

خدایا در این روز مرا هوش و بیداری در کار اطاعتت نصیب فرما و از سفاهت و جهالت و کارهای باطل دور گردان و از

هر چیزی که در این روز نازل می‌فرمایی مرا نصیب بخش به حق جود و کرم‌ت ای بخشنده‌ترین بخشنندگان.



اخلاق خودآغازی (۲)

قلب جوان

پیامبری برانگیخت تا مردم را نوید و انذار دهم پس جوانان با من پیمان بستند، ولی پیران با من مخالفت کردند. سپس این آیه را قرائت فرمود: زمان طولانی بر آنها گذشت و دل‌هایشان سخت گردید. این روایت به نرمی دل جوانان تأکید می‌کند، هر چه قلب نرم‌تر باشد، پذیرش ایمان سهل‌تر است. از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ هُوَ شَابٌّ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَ دَمِهِ؟ كَسَى كَهَ قُرْآنٍ رَا فِي جَوَانِي قِرَائَتُ كُنْد، قُرْآنٌ بَا گوشت و خون او آمیخته می‌شود».

این تأثیر ناشی از آمادگی روحی و صفای دل جوان است.

زمین کشت نشده

امیرالمؤمنین (علیه السلام) خطاب به فرزند خود می‌فرمایند: «وَ إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَفْسُو قَلْبُكَ وَ يَشْتَغِلَ لُبُّكَ؛ و دل جوان همچون زمین ناکشته است، هرچه در آن کشت کنند بپذیرد، پس به ادب آموختنت پرداختم پیش از آنکه دلت سخت شود و خردت سرگرم چیزهای دیگر شود^۱». امام علی (علیه السلام) در این نامه پذیرندگی و صفای دل جوان و آمادگی عقل او را مورد توجه قرار داده و اقدام به تربیت را در این سنین مؤثرتر دانسته است.

۱. مبارزه بانفس یا جهاد اکبر، ص ۸۵.

۲. سفینه البحار، ماده شنب.

۳. الحیاء، ج ۲، ص ۱۶۴.

۴. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

تجارب مربیان اخلاق و مهذبان نفوس را از زبان نفس مهذب و روح قدسی امام خمینی (ره) می‌شنویم: «شما تا جوان هستید می‌توانید کاری انجام دهید، تا نیرو و اراده جوانی دارید می‌توانید هواهای نفسانی، مشتهیات دنیایی و خواسته‌های حیوانی را از خود دور سازید؛ ولی اگر در جوانی به فکر اصلاح و ساختن خود نباشید دیگر در پیری کار از کار گذشته است. تا جوانید کاری کنید. نگذارید پیر و فرسوده شوید. قلب جوان لطیف و ملکوتی است و انگیزه‌های فساد در آن ضعیف می‌باشد؛ لیکن هر چه سن بالا رود ریشه گناه در قلب قوی‌تر و محکم‌تر می‌گردد تا جایی که کندن آن از دل ممکن نیست»^۱.

از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده است: «مَنْ تَعَلَّمَ فِي شَبَابِهِ كَانَتْ مَنَزِلَةُ الرَّسْمِ فِي الْحَجَرِ وَ مَنْ تَعَلَّمَ وَ هُوَ كَبِيرٌ كَانَتْ مَنَزِلَةُ الْكِتَابِ عَلَيَّ وَجْهَ الْمَاءِ؟ کسی که در جوانی بیاموزد (علم او) همچون نقش زده بر سنگ (ماندگار) است و کسی که در حالی که پیر است بیاموزد (علم او) همچون نوشته بر آب است». این روایت بیان می‌کند که کسب معارف در جوانی آسانتر و ماندگارتر است. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت شده است: «أَوْصِيكُمْ بِالشُّبَّانِ خَيْرًا فَإِنَّهُمْ أَرْقَى أَفْنَدَةً إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَحَالَفَنِي الشُّبَّانُ وَخَالَفَنِي الشُّيُوخُ. ثُمَّ قُرَأَ: «فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمْدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ؛ شما را به نیکی درباره جوانان سفارش می‌کنم، زیرا آنان قلب نرم‌تری دارند. خداوند مرا به

خودسازی به عنوان یک فریضه عقلی در همه ادوار زندگی واجب است و هیچ‌گاه نباید آن را ترک گفت؛ زیرا وعید، پروردگار وحشتناک و وعده‌های نعیم او بسیار بزرگ است. سهولت خودسازی، در همه دوران‌های زندگی به یک اندازه نیست. کسی که دوران جوانی را سپری کرده و در میانسالی به گناه غفلت خو کرده، به دشواری می‌تواند کام خود را از لذت‌های حرام محروم سازد. دشوارتر اینکه، خروج او از غفلت کار آسانی نیست و چون غافل است درد خود را نمی‌داند تا به درمان آن روی آورد. حتی اگر غفلت او را رها کند، توان او در ساختن حال و آینده اندک شده و نمی‌تواند به راحتی با گذشته خود وداع نماید.

بهترین سال‌های خودسازی

دشواری خودسازی را هم عقل گواهی می‌دهد و هم تجارب مربیان اخلاق و هادیان طریق رستگاری آن را تأیید می‌کند. روایات نیز به ما اطمینان می‌دهند که دوره نوجوانی و جوانی بهترین سال‌های خودسازی است. گواهی عقل به دشوار بودن خودسازی پس از دوره جوانی و سهل بودن آن در دوره نوجوانی و جوانی، از آن روست که خودسازی متوقف بر شناخت، ایمان و عمل است، و آموختن در سنین پایین آسانتر است. همچنین ایمان در قلب سالم وارد می‌شود و قلب نوجوان سالم‌تر و آماده‌تر است. عمل نیز نیازمند تکرار و تمرین برای پیدایش عادات صحیح است و یافتن مهارت عملی در دوران بعد از جوانی به آسانی تحصیل نمی‌شود.

احکام روزه

س: دختری که به سن تکلیف رسیده، ولی به علت ضعف جسمانی توانائی روزه گرفتن ندارد، و بعد از ماه مبارک رمضان هم نمی‌تواند قضای آن را به‌جا آورد تا اینکه ماه رمضان سال بعد فرا می‌رسد، چه حکمی دارد؟

ج: ناتوانی از گرفتن روزه و قضای آن به مجرد ضعف و عدم قدرت موجب سقوط قضای روزه نمی‌شود، بلکه قضای روزه‌های ماه رمضان که از او فوت شده، بر وی واجب است.

پنجره‌ای روبه آسمان

خدایا! چگونه وصیت‌نامه بنویسم در حالی که سراپا گناه و معصیت، و سراپا تقصیر و نافرمانیم؛ گرچه از رحمت و بخشش تو ناامید نیستم ولی ترسم از این است که نیامزیده از دنیا بروم؛ رفتنم خالص نباشد و پذیرفته درگاهت نشوم.
یارب! العفو

خدایا! نمیرم در حالی که از ما راضی نباشی.

ای وای که سیه‌روی خواهم بود.

خدایا! چقدر دوست‌داشتنی و پرستیدنی هستی

هیبهات که نفهمیدم

یا ابا عبدالله شفاعت.

آه چقدر لذت‌بخش است انسان آماده باشد برای دیدار ربّش! ولی چه کنم که تهیدستم.

خدایا! تو قبولم کن

سلام بر روح خدا، نجات دهنده ما از عصر حاضر، عصر ظلم و ستم، عصر کفر و الحاد، عصر مظلومیت اسلام و پیروان واقعی‌اش.

عزیزانم

اگر شبانه‌روز شکرگزار خدا باشیم که نعمت اسلام و امام را به ما عنایت فرموده باز کم است. آگاه باشیم که سرباز راستین و صادق این نعمت شویم. خطر وسوسه‌های درونی و دنیافریبی را شناخته و بر حذر باشیم که صدق نیت و خلوص در عمل، تنها چاره‌ساز ماست.

ای عاشقان ابا عبدالله!

بایستی شهادت را در آغوش گرفت، گونه‌ها بایستی از حرارت و شوقش سرخ شود و ضربان قلب تندتر بزند.

بایستی محتوای فرامین امام را درک و عمل نماییم تا بلکه قدری از تکلیف خود را شکرگزاری به‌جا آورده باشیم.

خدایا! مرا پاکیزه بپذیر.

بخشی از وصیت‌نامه سردار اسلام شهید مهدی باکری

کنتور عمر

بی توجهی ما نسبت به زمان سه علت اصلی دارد:

۱. مجاورت دائم: ماهی تا در آب است ارزش آب را نمی‌داند وقتی ارزش آب را درک می‌کند که از آب بیرونش کنند. انسان نیز تا وقتی به کمبود وقت دچار نشود، ارزش آن را درک نمی‌کند.

۲. رایگان بودن: ما قدر امکاناتی که برای آن زحمت نکشیده‌ایم، یا بهایی نپرداخته‌ایم، نمی‌دانیم. زمان نیز همین‌طور، غافل از این که اگر زمانی که به رایگان به دست آورده ایم به رایگان از دست بدهیم، چه خسارتی را باید تحمل کنیم. بهتر است شما به ساعت خود با دید کنتوری نگاه کنید که گذشت عمرتان را نشان می‌دهد.

۳. نبودن آموزش: از کسی که تا به حال برای استفاده بهتر از زمان، آموزش ندیده است، نمی‌توانیم توقع داشته باشیم که وقتش را هدر ندهد.

کتاب ثروت نامرئی، اثر امیر حسین مظاهری سیف

به اطلاع کارمندان محترم می‌رسانیم بعد از عید سعید فطر، مسابقه‌ای از مجموع این تکنکارها که انشاءالله به صورت روزانه هنگام نماز ظهر و عصر توزیع خواهد شد، برگزار و جوایز نفیسی اهداء خواهد شد.
(بنابر این در جمع‌آوری و مطالعه این تکنکارها دقت لازم را داشته باشید.)

توبه شعوانه فاحشه باشیدن آیات قرآن

فاضل نراقی در کتاب معراج السعاده نوشته است: در بصره زنی بود به نام شعوانه.

مجلسی در بصره از فسق و فجور منعقد نمی‌شد مگر این که شعوانه در آن حضور

می‌یافت. روزی با جمعی از کنیزان خود در کوچه‌های بصره می‌گذشت، به در خانه‌ای

رسید که از آن خروش بلند بود. گفت: سبحان الله! در این‌جا خروش و غوغایی

است. کنیزی را به اندرون خانه فرستاد تا از امر جویا شود. آن کنیز رفت و برگشت. کنیز

دیگری را فرستاد. او هم رفت و برگشت. کنیز سومی را فرستاد و به او سفارش کرد

که زود برگردد. کنیز رفت و برگشت. گفت: ای خاتون! این غوغای مردگان نیست، ماتم

زندگان است، ماتم بدکاران و نامه سیاهان است! شعوانه چون این را شنید خود به

اندرون رفت. دید واعظی در آن جا نشسته و جمعی دور او فراهم آمده‌اند و ایشان را

موعظه می‌کند و از عذاب خدا می‌ترساند و ایشان همگی بر گریه و زاری مشغولند.

هنگامی که شعوانه به داخل رسید، واعظ این آیه را تفسیر می‌کرد.

«إِذَا رَأَوْهُمْ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغَيُّظًا وَ زَفِيرًا * وَإِذَا أُلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضِيقًا مُقَرَّبِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا!» هنگامی که

این آتش، آنان را از مکانی دور ببینند، صدای وحشتناک و خشم‌آلودش را که با

نفس‌زدن شدید، همراه است، می‌شنوند و

هنگامی که در جای تنگ و محدودی از

آن افکنده شود، درحالی‌که در غل و زنجیرند، فریاد واویلائی آنان بلند می‌شود»

شعوانه چون این آیات را شنید، سخت در او اثر کرد و گفت: ای شیخ، من یکی از

روسیاهان درگاهم، آیا اگر توبه کنم خداوند مرا می‌آمرزد؟

واعظ گفت: البته اگر توبه کنی خدا تو را می‌آمرزد، اگر چه گناه تو مثل گناه شعوانه

باشد. گفت: شعوانه منم که بعد از این، گناه نکنم.

واعظ گفت: خدا ارحم الراحمین است و البته اگر توبه کنی آمرزیده می‌شوی.

شعوانه گریه کرد و بندگان و کنیزان خود را آزاد کرد و مشغول عبادت شد و تلافی

گذشته‌های خود را می‌نمود، به نحوی که بدنش گداخته شد و به نهایت ضعف و ناتوانی رسید.

روزی در بدن خود نگریست، خود را بسیار ضعیف و نحیف دید. گفت: آه، آه! در دنیا به

این نحو گداخته شدم، نمی‌دانم در آخرت جانم چگونه است؟ پس ندایی از غیب به

گوش او رسید که: دل خوش دار، ملازم درگاه ما باش، تا در روز قیامت ببینی جزای

ما را. نیامد در این در کسی عذرخواه

که سیل ندامت نشستن گناه^۲

۱. فرقان، آیه ۱۳-۱۲.

۲. مصطفی محمدی اهوازی، چهل داستان از عظمت

قرآن، ص ۸۰.